

آزادی عمل

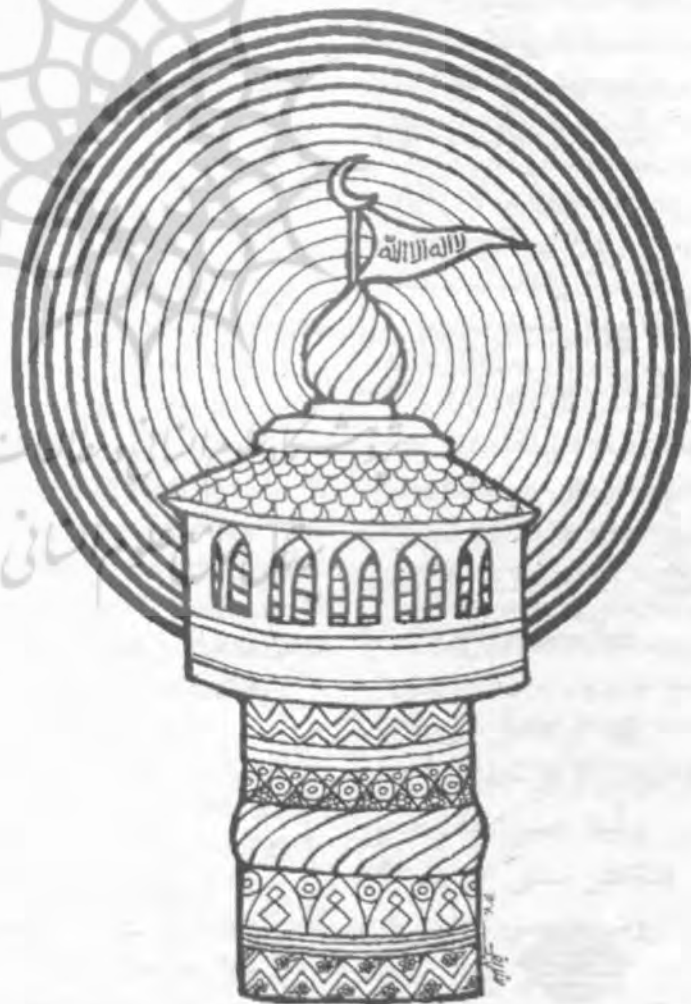
دکتر مقتدر مدرس حقوق و روابط بین الملل دانشگاه تهران در گفت و گو با گزارشگر ما در خصوص نقش حوزه های علمیه بر توسعه سیاسی کشور می گوید: مهمترین تأثیری که حوزه های دینی بر توسعه داشته اند، پیروزی انقلاب اسلامی بر حکومت استبداد پهلوی می باشد، چرا که این انقلاب یک انرژی عظیمی را آزاد کرد که بخشی از آن دموکراتیک بود و هدف این بود که مردم بر سرنوشتشان حاکم شوند و این امر یک موضوع مترقی و پیشرفته ای است و مفاهیم توسعه سیاسی تحزب و پارلمان می باشند. وی می افزاید: در زمینه نقش حوزه ها در توسعه باید گفت، مادر زمان مشروطیت هم شاهد اختلاف علمای دینی بودیم، از یک طرف افرادی همچون شیخ فضل الله نوری و از طرف دیگر، افرادی مانند علامه نائینی حضور داشتند یعنی ما نمی توانیم یک حکم واحد را برای کل علما و حوزه های علمیه برانیم و به نظر من افکار تند و خشن و تک رویهای فکری در حوزه های علمیه مهمترین عوامل و موانع توسعه سیاسی می باشند؛ چرا که این گونه افکار نه تنها راه به سوی توسعه سیاسی نمی برند، بلکه سد راه توسعه هم هستند و در مقابل، کسانی همچون رهبر معظم انقلاب هستند که دید بازتری دارند و مردم را ولی نعمت و صاحب انقلاب می دانند و از همه مهمتر اینکه ملاک را در همه امور رأی ملت می دانند.

دکتر مقتدر پیشنهاد می کند که باید آزادی عمل در حوزه ها افزایش یابد، چرا که نحوه عمل حوزه های دینی در زمینه توسعه سیاسی بستگی به امکان و افزایش آزادی عمل افراد است و علاوه بر آن، طرز فکر اصحاب حوزه نسبت به دین و نوع قرائت آنان از دین بر توسعه تأثیر مستقیم دارد یعنی اگر قرائت حوزه ها از دین یک قرائت تازه و رویه سوی حقوق مردم باشد این خوب است؛ به این دلیل که همه امکانات تفسیر در اختیارشان هست. وی تصریح می کند: افرادی که مرجع هستند و کسانی که قدرت اجتهاد دارند اگر بخواهند و این اراده را به صلاح جامعه بدانند که مردم را صاحب اختیار نمایند و مردم را در تصمیم گیری ها شریک نمایند، راه به سوی توسعه می بینایند ولی متأسفانه برخی به جای این که مشارکت مردم را در امور مختلف ترغیب و تشویق کنند این امر را با مکالیسم های مختلف محدود می کنند!

اقتراح

نقش و سهم حوزه های دینی در فرایند توسعه

○ درگفت و گو با صاحب نظران



توجه به دانش‌های نوین

[...] یکی دیگر از اساتید دانشگاه تهران و دکترای علوم سیاسی که خواست نامش ذکر نشود به گزارشگر مامی گوید: تنها راه تأثیرگذاری بیشتر حوزه‌های علمیه بر توسعه این است که فضای حوزه بر روی علوم جدید باز شود و علوم جدید تا حد بیشتری وارد حوزه‌ها شود، علوم عمومی همچون: جامعه‌شناسی، سیاست، حقوق، روانشناسی اجتماعی و اقتصاد، اینها علوم هستند که یادگیری آنها برای کسی که می‌خواهد مجتهد شود ضروری است. به خصوص در حال حاضر که در ایران یک حکومت دینی تشکیل شده است و ما به صورت ملموس‌تر و عینی‌تر با مسایل سیاسی روز سروکار داریم، لذا حوزه‌های دینی باید افرادی را ترغیب کنند که بتوانند با درایت، بینش و آگاهی لازم نسبت به مسایل زمان خود حرفی برای گفتن داشته باشند و به شبهات موجود در جامعه پاسخ دهند و می‌افزاید: حوزه‌های دینی در زمینه توسعه فرهنگی نیز مؤثر بوده‌اند اما با توجه به دگرگونی فرهنگ و گستردگی حوزه فرهنگ در کشور، متأسفانه آن‌طور که باید نتوانسته‌اند نقش اساسی خود را در این زمینه ایفا کنند.

باید حوزه‌های دینی مادر زمینه پرورش افراد محقق و منتقد نیز باید تلاش کنند و یادآور می‌شود: علاوه بر آن برداشتهای سنتی که از دین می‌شود متأسفانه همخوانی چندانی با نیازهای جدید جامعه ما ندارد. مثلاً رویکردی که جوانان به مسایل فرهنگی دارند را باید با دیدگاههای فرهنگی حوزه‌ها مقایسه کنیم و به راستی از نظر فرهنگی حوزه‌های علمیه ما چقدر می‌توانند پرسش‌ها و خلاءهای فرهنگی جوانان ما را پر کنند؟ ما بعد از انقلاب یکسری مباحث فرهنگی را از اذهان جوانانمان بیرون کشیدیم اما جایگزین جدیدی به آنان ارائه ندادیم. سؤال این است که حوزه‌های دینی ما چه جایگزینی برای این خلاءهای فرهنگی دارند؟ و به نظر من حوزه‌های دینی در این زمینه، آن‌طور که باید نتوانسته‌اند خلاء فرهنگی جامعه‌مان را پر کنند. البته بسیاری از این حرف‌ها را اخیراً در جلسه مشترکی که با علمای حوزه‌های دینی و روحانی‌های حوزه داشتیم مطرح کردم و اغلب آنان این موارد را پذیرفته‌اند.

دکتر جعفر یاحقی: نقش حوزه‌های

دینی پس از انقلاب اسلامی که پیوند بیشتری به جامعه خورد، مشهودتر گردید. وی می‌افزاید: از مدتها پیش در کشور ما بحث وحدت حوزه و دانشگاه رایج شده و به اعتقاد من باید این ارتباط را بیشتر کرد به گونه‌ای که وحدت بین حوزه و جامعه به طور عملی نمود پیدا کند، چرا که این امر در گسترش اندیشه‌ها و مفاهیم دینی مؤثر است و یادآور می‌شود: از زمانی که انقلاب روزهای آغازین پیروزی خود را پشت سر می‌گذاشت به نظر من زمینه برای بسط اطلاعات اعتقادی از طریق حوزه‌ها به جامعه فراهم شد و در این روزها هم مراکز درسته و به اصطلاح مسقف و هم فضاهای باز و عمومی در این زمینه به کار گرفته شده تا مفاهیم اخلاقی و حوزوی توسعه بیشتری پیدا کند. به عبارت دیگر حوزه به عنوان کانون تپش‌های دینی و اعتقادی مطرح می‌باشد و در مقیاس وسیعی در همه سطوح جامعه گسترش پیدا کرده است. وی خاطر نشان خواست: طبیعی است که ارتباط حوزویان با دنیای بیرون به صورت متقابل است، یعنی هم ارزش‌های خارج از حوزه وارد شده است و در بسیاری از نمایشگاه‌ها دیده شده که طلاب به مسایل جدید و مدرنی همچون اطلاع‌رسانی از طریق رایانه و اینترنت روی آورده‌اند و این مسایل ارتباط جمعی را در خدمت اندیشه دینی قرار داده‌اند و شاید رقم نرم‌افزارهایی که در حوزه‌ها به کار گرفته شده از سایر مراکز فنی و علمی کمتر نباشد و این جای امیدواری است که حوزه‌ها این تشخیص را داده‌اند که از وسایل ارتباط جمعی به شکل وسیعی استفاده کنند. دکتر یاحقی با اشاره به گذشت ۲۰ سال از انقلاب تأکید می‌کند: به نظر من هر چند تلاش حوزویان در ابعاد توسعه کشور قابل تقدیر است، اما کافی و وافی نیست چرا که حوزه‌ها می‌توانند از طریق ماهواره و اینترنت وسایل ارتباط جمعی نسبت به انتشار و تقویت بنیه دینی ایران و سایر کشورهای جهان گام بردارند. وی نقش حوزه‌های دینی در توسعه فرهنگی کشور را در طول سال‌های گذشته بی‌سابقه توصیف کرده و متذکر می‌شود: لازم است حوزه‌ها در ارتباط متقابل و تنگاتنگ با جامعه و قشرهای مختلف مردم گام بردارند، هر چند در حال حاضر اقدامات مفیدی در این خصوص انجام گرفته است. البته

از حوزه‌های دینی جز این انتظار نمی‌رفت. وی نقش حوزه‌های دینی در تبدیل اندیشه‌های لائیک و بی‌توجهی به مسایل دینی جامعه را بسیار مهم ذکر می‌نماید و ظهور اندیشمندان دینی در عصر انقلاب اسلامی را مدیون تلاش حوزه‌های دینی می‌داند و یادآور می‌شود: هر چند برخی افراد در القای مفاهیم دچار شتاب زدگی شدند و یاد راستای هماهنگ کردن اندیشه‌های دینی بایشرف‌های علمی روز در بعضی سطوح شاهد دلزدگی و اشباع شدن‌هایی هستیم و این امر ناشی از فوق ظرفیت بودن مفاهیم دینی در جامعه می‌باشد و بعضی افراد چون تحمل پذیرش این همه مفاهیم دینی را به یکباره و یا در طول مدتی کم نداشته‌اند. اکنون دچار دلزدگی گردیده‌اند که به اعتقاد من اگر مادر القای مفاهیم و ارزش‌های دینی به جامعه و خصوصاً جوانان دچار شتابزدگی نشویم و با این مفاهیم رایبائیم و به اصطلاح جوان بسند کنیم به عقیده من کارها در امر توسعه فرهنگی سریعتر پیش می‌رود.

وی توصیه می‌کند: انتقال مفاهیم دینی در قالب سرود، فیلم، انیمیشن و یا نما آوا، بهتر و راحت‌تر انجام می‌گیرد و اگر حوزه‌های دینی از ابزار مذکور استفاده بیشتری ننمایند و امکاناتی رایانه‌ای و اطلاع‌رسانی را به خدمت بگیرند، نقص‌های موجود نیز برطرف می‌شود.

آیت الله موحدی کرمانی: رسالت

حوزه‌های علمیه این است که در راه توسعه معنویات در جامعه گام بردارند. در حوزه‌های علمیه افراد پرورش و آموزش داده می‌شوند تا معنویات را بسط دهند. وی می‌افزاید: اگر نبود این زحمات، آن وقت معلوم نبود ایران اسلامی چه وضعی پیدا می‌کرد. وی تصریح می‌کند: تدبیر مردم ما به خاطر خدمات غیر محسوس و محسوس روحانیون حوزه‌های دینی است و این امر به عینه مشهود است و مامی‌بینیم که روحانیون در همه جا حضور دارند و به امر تبلیغ دین می‌پردازند و این یک خدمت بزرگ و اساسی است که توسط حوزه‌های دینی انجام می‌شود. نمائنده ولی فقیه در سپاه تأکید می‌کند: من معتقدم باید شبیه‌هایی را که در ذهن جوانان و افراد جامعه نمود پیدا می‌کند بشناسیم و بدانیم که قشر جوان چه سؤال و چه نیازی دارند. به خصوص در سطح مدارس

و دانشگاهها اقدام به شناخت شبهات بنماییم و بعد از آنکه نیاز جامعه، جوانان و خصوصاً نیاز فکری دانشجویان را دریافتیم بایک برنامه ریزی سنجش گرانه، روحانیون توانمند را به دانشگاهها و دبیرستانها اعزام نماییم تا با آنان انس بگیرند و از برکات این همگرایی فکری و نظری بهره مند شویم.

شیوه های جدید

خانم فاطمه کروی: نقش حوزه های

علمیه در توسعه فرهنگی سیاسی و اجتماعی در طول تاریخ شیعه بسیار مهم و قابل توجه بوده است و یکی از رسالت های اصلی حوزه های علمیه حضور فعالانه و همه جانبه در رشد و تعالی فرهنگی جامعه بوده است و اگر نبود رهبریت پیامبر گونه امام عزیزمان چه بسا ممکن بود این انقلاب به ثمر نرسد. امام راحل با بهره گیری از فرهنگ غنی اسلام و فقه پویای شیعه تحولی عظیم در ابعاد فرهنگی و سیاسی ایران به وجود آورد، پس می توان نتیجه گرفت که نقش حوزه های علمیه در توسعه فرهنگی و سیاسی کشور یک نقش محوری و اصولی است و به عبارت دیگر، حوزه ها مسؤلیت اصلی شان تربیت انسان های فرهیخته و عالم است که باید پس از کسب دانش و فیض از محضر اساتید مختلف برای ابلاغ رسالت خویش؛ یعنی آشناسازی مردم با اسلام و آرمان های حیاتبخش آن تلاش کرده و مردم را با وظایف خویش آشنا نمایند. حوزه های علمیه در گذشته به خوبی انجام وظیفه کرده اند و حضرت امام توانستند زحمات علمای قدیم حوزه را در عمل به منصه ظهور برسانند اما در حال حاضر با توجه به اینکه نحوه تبلیغات که تبلیغات دینی هم از آن مستثنی نیست با گذشته فرق پیدا کرده و شیوه های جدیدی را می طلبد. لذا حوزه های علمیه باید برای حفظ نقش خود در توسعه فرهنگی و سیاسی جامعه با ابزارهای تبلیغی جدید آشنا و به آن مسلح شوند تا بتوانند با استفاده از روش های ارتباطی نوین ارزش های متعالی اسلام را به نسل های آینده آموزش داده و از آن حراست کنند و این مهم مستلزم آشنایی حوزه ها با خواست مردم و فهم شرایط زمانی و کلامی حاضر است؛ چرا که در عصر حاضر دو عنصر زمان و مکان و شرایط خاص حاکم بر جهان نقش اساسی در توفیق

مبلغان دینی دارد، وی تصریح می کند: حوزه های علمیه باید برای حفظ هویت سیاسی - فرهنگی خویش پاسخگویی پرشش مختلف اقتدار جامعه به خصوص جوانان باشند و علاوه بر مجهز شدن به دانش از اخلاق و معنویت نیز غافل نباشند تا نشر علم تأثیر گذار باشد و وی یادآور می شود: همواره استقلال حوزه ها موجب رشد و تکامل آن بوده است و خصوصاً حوزه های علمیه شیعه زمانی توانست در فرهنگ سیاسی - اجتماعی مردم نفوذ داشته باشد که بدون وابستگی به دولت ها و مراکز قدرت به حیات خود ادامه داد و طی آن علمای عظام توانستند استقلال و آزادی جامعه را تحکیم بخشند. وی می افزاید: علوم متداول و رایج دنیا باید در حوزه های علمیه راه پیدا کند و از این طریق حوزه های علمیه با کشف نیازهای مردم، جامعه و کوتاه کردن فاصله ها، رفتار خود را با خواست مردم مطابقت نماید تا بتوانند به توفیق بیشتری در این زمینه دست یابند.

آیت الله تسخیری: به طور

طبیعی حوزه های علمیه مرکز تبیین اندیشه دینی هستند و با توجه به اینکه جانیامه فرهنگ مادی است و معیار پیشرفت و توسعه فرهنگی ما، سطح نفوذ دین در ساختن ایده های جامعه، و شیوه ها و برنامه های اجرا شده در سطح جامعه می باشد و با توجه به اینکه انقلاب اسلامی بیشتر برای تبیین و تعمیق نقش دین در جامعه است لذا من معتقدم که حوزه های دینی وظیفه اساسی و مهمی در خصوص سایر محوره های توسعه به عهده دارند. رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی کشور می افزاید: ما توسعه فرهنگی مان را باید توسعه در داخل مرزهای کشور نمی نگریم، بلکه معتقدیم انقلاب اسلامی محور حرکت فرهنگی جهان است و انتظار جهانیان این است که انوار این انقلاب و این ملت به آنها هم برسد و لذا توسعه فرهنگی ما جزئی از یک حرکت جهانی به سوی اسلام و دین و گسترش ارزشهای فرهنگی است و در این زمینه حوزه های علمیه می توانند پرچمدار فرهنگ اسلامی - انقلابی در سطح جهان باشند آیت الله تسخیری در رابطه با ضرورت پاسخگویی حوزه های علمیه به شبهات جوانان اظهار می دارد: طبیعت جوانان یک طبیعت پرشگراست و در پی کشف حقایق می باشند و ما باید این امکان را

برای کل توده ها فراهم کنیم تا در مورد مسائل مختلف سؤال نمایند و قتی که ما این لباس مقدس (روحانیت) را پوشیدیم باید پاسخ پرسشهای آنان را دقیق ارائه دهیم. وی می افزاید: حوزه های دینی نه تنها باید پاسخگویی پرسشهای فردی باشند بلکه باید در حوزه تئوریک نیز پاسخ لازم را بدهند.

آیت الله خزعلی: حوزه های علمیه

موظفند کاری که پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم اجمعین) انجام می دادند در خور استعدادشان و در خور نیروهای فکری، عقلی و علمی شان، همان کار را انجام دهند و چون جامعه ما چند بعدی است و فقط بعد دینی مطرح نمی باشد، بلکه دارای ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانشناسی و تربیتی نیز می باشد که این موارد در کتاب وست پراکنده است و یک شاخه آن، فقه و اصول است که معمولاً در حوزه روی این موارد اخیر اهتمام بیشتری می شود، ولی این معنای تمام دین نیست؛ این یک شاخه است. آیت الله خزعلی یادآور می شود: در زمانی که سیاست دست ما نبود و ما تحت فشار بودیم، حرف حوزه در دستگاه حکومتی اغلب اثری نداشت و محور و مدار نبود ولی الان که دولت بر مبنای حکومت دینی پی ریزی شده است و بر اساس قانون اساسی کار می کنند، تمام ابعاد اجتماعی و ابعاد ملی زیر نظر تفکر دینی و به تبع آن روحانیت قرار دارد، لذا وضع حوزه نسبت به گذشته خیلی تفاوت پیدا کرده است. در آن زمان حوزه اگر در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی، معنوی یا فرهنگی کاری انجام می داد حکومت خریدارش نبود ولی الان وظایف سنگین بر دوش حوزه ها قرار دارد و باید از عهده این موارد برآیند، عضو مجلس خبرگان رهبری حوزه های علمیه را چند بعدی ذکر کرد و می گوید: به تعداد ابعادی که در جامعه وجود دارد حوزه نیز مکلف است تا در خصوص اخلاقیات، فلسفه، مسائل علمی را برای مردم بیان کند. البته در حوزه علمیه قم شاخه های متعددی فعال است و مورخین، مترجمان و نویسندگان در خصوص مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مانند آن به تحقیق و تفحص و تألیف کتب مرجع و منبع مشغولند و من به مردم خوبان یشارت می دهم که نسل جدید، فرآورده های جدیدی را از حوزه خواهند دید و نمونه آن آیت

الله مصباح یزدی می باشد، چرا که از اطلاعات روز دنیا نیز خبر دارد. وی به نسل جوان هشدار داده و می افزاید: نسل فعال و پویای ما باید مواظب باشند تا در دام اشخاص مغرض قرار نگیرند و قدر انقلاب، امام راحل و حوزه را بدانند. آیت الله خزعلی تأکید می کند: حوزه های علمیه باید مسایل سیاسی را بررسی کنند، ریشه های آن را کشف نموده و با مردم مهربان برخورد کنند تا جامعه نسبت به روحانیت بد بین نشوند و وی از مدرسین و طلاب حوزه علمیه خواست: روح پدران و دلسوزانه رادر خودشان پرورش دهند و تحمل بعضی آزارهای زبانی و غیر زبانی را داشته باشند.

وی با اشاره به یکی از خطبه های حضرت علی (ع) در نهج البلاغه یادآور می شود: امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) می فرماید: حق اگر روشن شود، مردم دلداده حق می شوند و باطل هم اگر بر مردم آشکار شود مردم از آن متنفر می شوند. ولی بازی گران و شیادان مغرض، شاخه ای از حق و شاخساری از باطل می گیرند و به بهانه آن حق، باطل هم یک جلوه عاریتی پیدا می کند و کسانی که آگاه نیستند دلبسته فریب نمایی آن می شوند. لذا دینداران، محققان و علمای حوزه باید سراغ جوانان بروند تا حقیقت دین را به آنان بنمایانند و باطل را آشکار نمایند. لذا در دین و شناخت آن، کارشناس دینی لازم است و حوزویان کارشناسان دینی اند و به جوانان هم توصیه می کنم که به کارشناسان واقعی و باتقوای دینی مراجعه کنند تا پاسخ پرسش های خود را کسب کنند.

[...] عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی :

به نظر می رسد تحولاتی که در حوزه انجام شده است بیشتر ناشی از جبر محیط بوده است و هنوز بحث بر سر این است که زکات به چه چیزهایی تعلق می گیرد. همچنین باید یادآور شد که هدف از دین کاشتن بذر ایمان در دل ها و شناخت غایت هستی است. وقتی دین بیشتر در شکل و قالب ظاهر شود، ایمان ممکن است جای خود را به شکل بدهد و حوزه های علمیه باید به گونه ای جریان دین و دینداری را توسعه بخشند که روح دینداری در آن آسیب نبیند. پیشنهاد می کنم اگر روحانیونی طرفدار توسعه هستند، اجازه طرح سؤال و زمینه برای طرح سؤال در

حوزه مسایل عقیدتی را بوجود آورند. کافی است حوزه بدانند با هر نسل و ذهنیت های آن چگونه باید برخورد کند.

مشغله زیاد روحانی ها...

ابوالقاسم مودودی کارشناس ارشد جامعه شناسی و پژوهشگر مسایل اجتماعی می گوید: باید ابتدا مفهوم توسعه را باز کنیم و بدانیم که توسعه چیست؟ و چه ابعادی دارد؟ و بعد ببینیم که آیا این ابعاد به عهده چه کسانی بوده؟ و آخرینکه این افراد تا چه حد توانسته اند در این زمینه موفقیت داشته باشند. تجربه ناموفق چند دهه متمادی از کشورهای توسعه نیافته حاکی از آن است که چون این کشورها تنها در بعد اقتصادی سرمایه گذاری کرده بودند لذا نتوانسته بودند به نتایج مورد نظر دست یابند و این امر را نیز اعتراف کرده اند و بعضی دیگر از جوامع اولویت را در توسعه به ابعاد سیاسی فرهنگی می دادند و از سایر ابعاد توسعه غافل می ماندند وی می افزاید: آنچه که از معنای توسعه بر می آید این است که توسعه به معنای وسیع شدن و ظرفیت پیدا کردن می باشد. هم سازمانهای بین المللی و هم متفکران، جامعه ای را توسعه یافته می دانند که بتواند در ابعاد مختلف رشد و گسترش خودش را نشان دهد و جدیدترین چیزی که در این زمینه مطرح است این است که ما باید ببینیم انسان چه ابعادی دارد و بعد در این ابعاد توسعه را معنا کنیم ابعاد کشورهای توسعه یافته این است که در مرحله اول بتواند نیازهای معیشتی مردم را برآورده کند و در مرحله بعد نیازهای فکری - عقیدتی افراد اجتماع را پاسخ دهد و سومین بعد توسعه، بعد روانی و عاطفی است تا انسان ها سالم بار بیایند و از سوی دیگر، بعد اجتماعی نیز در امر توسعه مهم است. اینکه مانعی توانیم حرف همدیگر را در مناسبات اجتماعی، در روابط بین المللی و در روابط با حکومت بفهمیم، نشانگر ضعف در این امر است.

زمانی که هر چهار بعد توسعه محقق شود می توانیم بگویم توسعه تمام و عیار می باشد وی با اشاره به متولیان ابعاد توسعه در جوامع می گوید: مسأله مهم بعد ارزشی توسعه است یعنی آنجا که به توسعه جهت داده می شود و

بهترین توصیف را در این مورد استاد مطهری بیان داشته اند ایشان بر این باورند که علم مثل موتور و ایمان مثل چراغ های قطار توسعه محسوب می شود و این ایمان است که با نور خود راه برای حرکت موتور قطار توسعه روشن می کند و اگر نور نباشد خود به خود قطار توسعه از ریل خارج می شود.

و هر چقدر سرعت این قطار توسعه بدون چراغ ایمان بیشتر باشد، احتمال واژگونی و نابودی آن نیز بیشتر است. بسیاری از کشورها فقط به بعد مادی توسعه که در ظاهر حیرت آور نیز هست توجه کرده اند و از بعد معنوی آن غافل مانده اند، این در حالی است که تجربه نشان داده این نوع رویه امروزه کارآیی ندارد و با شکست مواجه شده است و این امر را سرمدمداران کشورهای غربی اذعان دارند و حتی متفکران این کشورها همچون پروفیسور «گولت» اذعان داشته اند که «معاش زندگی یک بعد از ابعاد توسعه است و باید به سایر ابعاد آن نیز توجه کرد» این صاحب نظران ابعاد اصلی دیگر را شامل اعتماد به نفس و آزادی ذکر می کنند و معتقدند توسعه بدون توجه به این ابعاد راه به جایی نمی برد. وی یادآور می شود: یکی دیگر از صاحب نظران توسعه پروفیسور «دادلی سیلر» معتقد است «برای اینکه درایم از لحاظ توسعه یک کشور در چه سطحی قرار دارد باید ببینیم ابتدا مسؤولان آن کشور از لحاظ ففرضدایی چه کرده اند؟، بیکاری در چه وضعی است؟ و آیا ثروت به صورت عادلانه در این جوامع توزیع شده یا خیر؟»

ما زمانی می توانیم بگویم که ایران وارد «توسعه» شده است که شاخص های توسعه را داشته باشیم ولی متأسفانه در جامعه ما شاخص های توسعه چندان مشهود نیست. ما الان نگرانی هایی که از تعارض نسل هاداریم، نگرانی هایی که از افت ارزش ها در جامعه دیده می شود و انحرافات موجود اخلاقی و اجتماعی نشانگر بی توجهی به زمینه های مختلف و ابعاد گوناگون توسعه می باشد اما متولی این توسعه یک جناح، یک گروه یا یک قشر خاصی از دولتمردان یا مردم نیست و آنچه که خیلی در این زمینه مهم است ضرورت تغییر نگرش های توسعه است.

وی تأکید می کند: هر چند ما ظاهر توسعه را در ایران داریم ولی به مهمترین نکته توسعه

بی توجهی کرده‌ایم و آن یعنی «فرهنگ توسعه» است. نگرش افراذه بهره‌وری و استفاده بهینه از امکانات را هنوز نداریم و چون دیده نمی‌شود، توجهی هم به آن نمی‌شود. مثلاً کارگران ژاپنی به «کار» به عنوان یک ارزش می‌نگرند و امروزه به حدی پیشرفت کرده‌اند که آمریکایی‌ها برای اینکه جلو آنها را بگیرند به بهانه‌های مختلف دم از حقوق بشر می‌زنند که دولت ژاپن نباید به کارگران ظلم کند تا ژاپن را تحت فشار قرار دهند و در عوض ژاپن هم اعلام کرد که کارگران ژاپنی به میل خود پرکاری می‌کنند و طی نظرخواهی که کردند بیش از ۸۵ درصد مردم ژاپن با کم کاری مخالف بودند و الان ژاپن با ۷۴٪ ساعت کار مفید در هفته بیشترین و بالاترین سطح کار در جهان را داراست؛ در حالی که در جامعه ما اگر بادی خوشبینانه بنگریم، در هر هفته زیر ۱۰ ساعت کار مفید انجام می‌دهیم! از طرفی صداقت و درست‌کاری نیز نقش مهمی در توسعه دارد و متولی این مسایل مسؤولان فرهنگی کشور هستند که می‌باید «عناصر فرهنگی توسعه» را گسترش دهند و باید به این امر مهم توجه جدی بنمایند. شاید یکی از عواملی که باعث شده جوانان کشور ما نسبت به بسیاری از ارزش‌های دینی و مذهبی بی‌تفاوت شوند، ناشی از عدم هماهنگی دستگاه‌های فرهنگی و حوزه‌های دینی کشور است یعنی مجموع کارهایی که این دستگاه‌ها انجام می‌دهند با یکدیگر هماهنگ نیست و یک هارمونی را تشکیل نمی‌دهد و یک سازمان‌یافتگی در عرضه ارزش‌ها و معارف دینی به چشم نمی‌خورد. مسأله دیگری که در این فرآیند باید مورد توجه قرار گیرد، این است که حوزه‌ها نقش اصلی خود را از یاد برده‌اند. چرا جوانان ما که در دوره انقلاب متولد و رشد پیدا کرده‌اند و در محیط اسلامی پرورش پیدا کرده‌اند، این گونه هستند؟

وی می‌افزاید: «پارسنز» جامعه‌شناس معروف نظریه‌ای دارد و می‌گوید: لوازم ظهور و دوام یک نهاد یا گروه اجتماعی اگر چهار فاکتور را در خودشان بوجد آورند می‌توانند به اهداف خود دست یابند. یکی از اهداف «انطباق‌پذیری» است یعنی یک سازمان یا نهاد باید بتواند نیازهای اعضای خودش را برآورده کند مثلاً حوزه‌های علمیه اگر نیازهای مادی روحانیون و یا کسانی که در ارتباط با آنان می‌باشند را برآورده کنند

که اینها مجبور نباشند برای تأمین معاش خودشان به کارهای مختلف بپردازند و اگر سازمان حوزه بتواند جریان امور معیشتی آنها را به گونه‌ای تنظیم کند که این نیروها فقط به نیازهای معنوی و عقیدتی خود بپردازند، مؤلفه اول «انطباق‌پذیری» ایجاد می‌شود. در جامعه ما بسیاری از حوزه‌ها با مشکلات عدیده اقتصادی مواجه می‌باشند (برعکس ذهنیت‌های موجود در جامعه) و صورت خود را با سیلی، سرخ‌نگه می‌دارند. دومین ویژگی که پارسنز مطرح می‌کند «حفظ الگو» می‌باشد یعنی کسانی که می‌خواهند در مسندی بنشینند و نقشی را ایفا کنند باید وظایف آن نقش را به خوبی بفهمند، این مشکلی است که ما در همه جا داریم مثلاً یک روحانی باید نقش خود را خوب بشناسد و به نحو مطلوب به آن عمل کند.

در ارتباط با روحانیت ما در این زمینه کاستی‌هایی را می‌بینیم و علتش ناشی از آن است که مشغله‌هایی زیادی برای روحانیون ایجاد شده است. حضرت امام (ره) در قبل از انقلاب طی مصاحبه‌ای با یک خبرنگار

فرانسوی فرمودند: «بعد از انقلاب به هیچ عنوان روحانیون بر مسندهای اداری قرار نمی‌گیرند، چون کار این افراد، ارشاد و تبلیغ است». حالا چه شد که بعد از انقلاب این اتفاق رخ نداد؟ یک مشکل ما کمبود نیروی متعهد بود، یعنی برخی از مدیران تعهد لازم را نداشتند. نیز دلسوزی و نظارت بر کارها از جمله عوامل مهم در این زمینه بودند که باعث شد روحانیون در بسیاری از سازمانها و نهادها حضور و اشتغال داشته باشند. مشغله زیاد روحانیون باعث شده که روحانیون ما از نقش اصلی‌شان باز بمانند. بعد دیگر تئوری پارسنز «دستیابی به هدف» است. وی معتقد است اگر سازمان یا گروهی می‌خواهد موفق شود، باید اول هدفی داشته باشد و دوماً هدف مورد نظر با اهداف مجریان آن سازمان مشترک باشد مثلاً ما می‌خواهیم به فردی که دل درد است، داروی تلخی را بخوریم، برای این کار، داروسازان درصد کمی از داروی تلخ را با محلول شیرین تهیه می‌کنند، جامعه ما هم، جامعه «نویایی» است و هنوز چند صباحی از انقلاب نگذشته است، لذا ما باید برای اجرای قوانین فرهنگ اسلامی از محلول شیرین هم استفاده کنیم تا همه پسند باشد و همگان امکان هضم آن را داشته باشند. لذا برخی از روحانیون ما از شدت دلسوزی به جای اینکه ۵ درصد دارو با ۹۵ درصد شربت بدهند برعکس عمل کردند که این امر نه تنها افراد بیمار جامعه را جذب نمی‌کند بلکه وازده و گاه نیز با واکنش مواجه می‌سازد.

نکته چهارم در ارتباط با حوزه «عدم انسجام» است. پارسنز معتقد است که باید هر سازمانی منسجم عمل کند ولی در جامعه ما حوزه‌ها، ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات، دفتر تبلیغات اسلامی و... سایر متولیان فرهنگی هر یک ساز خود را می‌زنند و این عرضه سازمان یافته را مشکل می‌کند.

این پژوهشگر مسایل اجتماعی در خاتمه می‌گوید: اگر حوزه‌های علمیه ما چهار مورد یادشده را مد نظر داشته باشند: یعنی رفع نیازها، حفظ الگو، انسجام و دستیابی به هدف را مد نظر داشته باشند و آنها را پیاده کنند، در سطح حوزه‌ها می‌توانیم انتظار داشته باشیم که حوزه‌های کشور ما نقش اساسی را در توسعه داشته باشند، اما آنچه که در جامعه دیده می‌شود حس می‌کنم که حوزه‌های علمیه در زمینه توسعه معنوی،



سیاسی، فرهنگی و اجتماعی موفقیت بایسته را دست نیآورده اند؛ چرا که همگام با زمان پیش نرفته اند، درحالی که حضرت علی (ع) می فرماید: «فرزند زمان خویش باشی».

مسئولیت خطیر

دکتر غلامرضا شیروازیان:

حوزه های علمی همچون آموزشگاه هایی است که باید همواره متفکرانی همچون دکتر بهشتی، دکتر مفتاح و استاد مطهری و... را پرورش دهد و برای این مهم باید هم در گزینش شاگردان و هم در هنگام آموزش دروس حوزوی دقت نظر، بیشتر بشود. وی می افزاید: حوزه علمی باید برای جهان اسلام ایدئولوگ و پژوهشگر عقاید اسلامی تربیت کند؛ عقایدی که به قول «برایان بیدهام» عقایدی است که شاید در نوع خود و در جهان معاصر منحصر به فرد باشد. امروزه نه تنها جهان اسلام، بلکه دنیای غیر اسلامی نیز از حوزه ها توقع دارند، چرا که این جوامع اخیرا مهمترین عامل توسعه رادر گرو تعالی انسان می دانند، چون آزمون ها و راهکارهای سابق و گذشته در راستای توسعه موثر نبوده است. اسلام از ۱۴۰۰ سال پیش صحیح ترین درک از توسعه را داشته و بجای توجه صرف به مادیات و ظواهر دنیوی به باطن و محتوای انسانی نیز اندیشیده است، لذا این مکتب، آموزگاران بسیار توانمند می طلبد و این مسئولیت خطیر هدایت مادی و معنوی انسان ها در وهله اول به دوش حوزه های علمی می باشد. پس حوزه علمی می تواند در توسعه نقش داشته باشد و ضرورت دستیابی به توسعه پرورش همزمان انسان هادر ابعاد مادی و معنوی می باشد و خوشبختانه در حوزه های ماضی توجه به مبانی فقهی، گرایش ها و دانش های مرتبط با فقه و علوم انسانی را نیز آموزش داده اند. وی ضمن ابراز امیدواری از حضور حوزویان متخصص در کنار مختصان دانشگاهی می گوید: حوزه های علمی در بخش علوم اجتماعی و کمبودهای آن باید به صورت فعال وارد کار بشوند، حوزویان می دانند که تعالی انسان منوط به توجه به همه ابعاد انسانی است. گرچه خوشبختانه نقش روحانیت در سیستم مدیریت در سطح عالی کشور برای عموم مردم خوب تبیین شده ولی باید برای آینده کشور، در بعد آموزش، حوزه های علمی اصول کلاسیک مدیریت و خاصه مدیریت

از دیدگاه اسلام و تجربه های مدیریت اسلامی توسط حوزه های علمی تحلیل شود. به گفته وی حوزه های علمی باید در مدیریت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی جامعه با تحلیل گری های عالمانه و آگاهانه برای خود بیش از گذشته جا باز کنند و از این طریق کارآمدی حکومت دینی در اداره جامعه را به اثبات رسانند.

توجه به زمان و مکان

حجت الاسلام مجید انصاری در

گفت و گو با گزارشگر ما می گوید: حوزه های دینی از دیرباز در کشور ما تأثیر گذار بوده اند و مهمترین تأثیر عمیق تاریخی که ایران و جهان شاهد آن بوده از رهگذر حوزه های علمی منشأ گرفته است، چون انقلاب اسلامی ما خاستگاه اصلی اش حوزه های علمی بود و امام و یاران برجسته آن بزرگوار، محصول همین حوزه های علمی بودند.

عضو مجلس خبرگان رهبری و رئیس مجمع حزب الله مجلس شورای اسلامی می افزاید: البته قبل از امام راحل هم مردان بزرگ تاریخ ایران و مبارزان بزرگ روحانیت شیعه برخاسته از حوزه های علمی بودند منتهی نکته مهم این است که حوزه های علمی باید ضمن حفظ ارزشها و سنتهای اصیل و پایدار، به موضوع نوآوری و شناخت زمان و مکان توجه جدی داشته باشند و زبان مفاهیم با نسل جدید را برای انتقال بهینه مسائل و حقایق کشف کنند و آن را به کار برند. وی تصریح می کند: باید ابزار نوین علمی همچون رایانه، اینترنت، ماهواره و... در حوزه ها بکار گرفته شود. ما باید بیفزیم که دوران انتقال مفاهیم و مبادله اطلاعات گفتاری مدتهاست که در دنیا پشت سر گذاشته شده و حتی آهسته و آرام، دنیا دوران انتقال نوشتاری اطلاعات را نیز منسوخ می کند و امروز انتقال اطلاعات خیلی سریع و با استفاده از ابزارهای ارتباطی انجام می شود و لذا زبانهای دیگر دنیا نیز باید مورد توجه حوزه ها قرار بگیرد. وی دوران قبل از انقلاب را یادآور می شود و می گوید: متأسفانه در گذشته یک دیوار بی اعتمادی بین حوزه و دانشگاه به وجود آمد و حضرت امام (ره) تلاش زیادی کردند که حوزه و دانشگاه وحدت رویه و وحدت کلمه پیدا کنند. البته تا حد زیادی هم موفق شدند اما

متأسفانه من به وضوح دستهایی را اخیرا در کار می بینم که درصددند مجددا بین حوزه و دانشگاه این دیوار بی اعتمادی را ایجاد کنند به گونه ای که دانشگاه حوزه را واپسگرا و مرتجع بداند و حوزه هم جوانان را لالایی و دین گریز تلقی کند که در اینجا نقش اساتید حوزه در نحوه طرح مطالب، نوع مطالب و زمان انتقال مطالب فوق العاده مهم است، انصاری به روحانیون و اساتید حوزه های دینی کشور توصیه می کند که همه دنیا را از روزه دید و محیط حوزه نگاه نکنند. وی می افزاید: نباید دنیا را از دید ارزشهای حاکم بر جامعه ایران دید، چون ما ایدئولوژی اسلامی داریم و مدعی هستیم که باید این ایدئولوژی ما جهان را اصلاح کند و مطمئنا با انعطاف فکری که داریم و اجتهاد پویایی که شیعه به آن معتقد است، راه را باز کرده است تافتهای ما ضمن حفظ چارچوبه های اصلی، مقتضیات زمان و مکان را در نظر بگیرند و فقه متناسب با نیاز جامعه را عرضه نمایند و از آنجا که مسایل سیاسی و فرهنگی ما جدا از مسایل و مفاهیم دینی نیست، ما اصول دین را منحصر به یک سلسله مفاهیم خاص عبادی نمی دانیم بلکه ما دین را مجموعه قوانینی می دانیم که باید جوابگوی همه نیازهای بشر در همه عرصه ها باشد. لذا اگر حوزه های دینی ما اسلام را با همه وجوه و کارکردهایش تبیین نمایند، بویژه ابوابی را که در گذشته به آنها پرداخته نشده است و بر فرهیختگان حوزه و اساتید حوزه است که این ابواب را مطرح کنند، چون اگر قه ما با آن نگاهی که امام راحل به آن داشت، راه پویایی خودش را طی کند در همه عرصه ها حرف نو دارد ولی شرط آن، سعه صدر است، تهدید و طرد و ارباب هیچ مشکلی راحل نمی کند بلکه فقط بر دایره دین گریزان می افزاید.

